

بسم الله الرحمن الرحيم

روش مطالعه و بررسی

روابط بین المللی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بخش دوم

رتال جامع علوم انسانی

روشهای تفسیری

در ساختن بناگردآوری مواد و مصالح بایسته است . اما تجربه روزمره معماران گواهی میدهد که این انباشت کفایت نمی کند ، ساختمان نقشه سی خواهد و بنابراین معمار باید نخست این نقشه را در ذهن و اندیشه خود طرح کند و سپس در خارج به تفصیلی بایسته و به گونه ای گزارش نماید که دست اندرکاران امر ساختمان بتوانند براساس آن نقشه مواد و مصالح را با هم تلفیق و جفت و جور نمایند .

در کنارهای فکری نیز ماجرا به همین منوال است . اگر حداقل وسائل و ابزار مفهومی در اختیار پژوهشگر نباشد وی خویشتن را ، در برابر توده ای نامتمایز از وقایع مییابد که به کاری نمی آیند .

نظرگاه مورخان

برخی از مورخان با آنچه گفته شد ، موافق نیستند . و میگویند* « تاریخ تنها ساخته دست وقایع و حوادث است » و « آنها که معتقدند میتوان از متن حوادث رخت خود را برون کشید ، عموماً دست بگریبان اشتباهی خطرناک اند »^۲

در پاسخ میتوان گفت : گرچه تاریخ عملاً داعیه دار بررسی حوادث است ، اما توجه جامعه شناس و سیاست شناس ، بیشتر معطوف پدیدارهاست و مقصود از پدیدار مجموعه حوادثی است که با تکرار در طول زمان و یا تلفیق در مکان یک واقعه اجتماعی را میسازند ، واقعه ای که درخور بررسی ویژه است . تولد ، ازدواج ، طلاق ، و مرگ یک انسان از جمله وقایعی هستند که برای فرد ذینفع اهمیتی اساسی و عمده دارند . اما وقایع مذکور از هنگامی مورد توجه جمعیت شناس قرار میگیرند که با دیگر حوادث و وقایع همسان نزدیک شریند و سلسله وقایع جمعی زاد و ولد ازدواج و یا مرگ و میر را بسازند . در دیگر علوم اجتماعی هم وضع به همین منوال است . یک جنایت و یا یک خودکشی ، فاجعه ای فردی است ، اما این وقایع در صورتی معنای پدیدار اجتماعی می یابند که تواتر هر یک معین شود و بتوان علل و شرائط هر کدام را با علل و شرائط وقایعی ، که نظیر آنهاست ، مقایسه و تطبیق کرد ، انعقاد یک قرارداد ، بیکار نمودن یک کارگر ، وقایعی هستند که از خلال منحنی قیمت ها و سوازنه پرداختها و یا درصد بیکاری مورد توجه اقتصاددان واقع میشوند .

پدینسان می بینیم که همه علوم اجتماعی به بررسی پدیدارها میپردازند و کاری به مطالعه وقایع ندارند ، بنابراین نمی بایست در روابط بین المللی نیز قائل به استثناء شد . در واقع ملاقات دو رئیس دولت ، روشن شدن آتش جنگ و ادامه آن ، رشته ای از حوادث یا سلسله ای از وقایع اند که سروکارشان با روشهای بررسی و جستجوی مورخ است . اما جنگ و اقناع خصم و بازداشتن وی از ستیزه جویی و مسالمت و آرامش و عدم تشنج و مذاکره و توسعه نیافتگی و ناسیونالیسم و ادغام در یک مجموعه و پدیدارهایی میباشند که به حاصل جمع میلیاردها حادثه سازنده این پدیدارها نیز ، غیرقابل تحویل اند . اگر قرار باشد به انتظار بمانیم تا مورخان آینده به تمداد حوادثی که هر روزه در عالم اتفاق می افتد و هر یک در نوع خود « تاریخ معین دارد و منحصر به فرد است » نزدیکتری بنویسند ، تا با استفاده از آنها ما به فهم پدیدارها دست یابیم ، هیچگاه پدیدارها به جولانگاه فهم ما راه نمی یابند . جرو بحث در باره این مطلب که آیا تاریخ ، باطرحی که مورخان عرضه می کنند، دارای ارزش و اعتبار تبیینی هست یا نه ، با خود مورخان است^۳ اما

* یادداشتها ، در پایان مقاله خواهد آمد .

صاحب‌نظران علوم اجتماعی دیگر، که از تحقیقات مورخان بهره می‌گیرند، به این جری بحث نمی‌پردازند و بنابراین می‌توانند در زمینه روشهای تفسیر، آزادی عمل داشته باشند. این گروه به هنگام گذار از مرحله مونوگرافی و تدوین رساله مفرد و در مقام دست یافتن به «تعریفی معتبر و مقبول برای تمامی ادوار» و توسل جستن به مفاهیمی که توسط رشته‌های دیگر فراهم آمده است و سواشان کمتر از مورخان است.

۲

استفاده از مدلها

در این سطور تعبیر «مدل» را که در زبان علمی مصطلح و معمول است، نباید به معنی اخلاقی آن (که الگوی مورد تقلید است) گرفت. این تعبیر بیانگر شاکله‌ای تألیفی و انزاعی است، که عناصر واقعیت را در یک ساختمان دقیق تنظیم می‌کند. کار ساختن «مدل» با یک رشته از ملاحظات متعین یا تجربی آغاز میشود، این ملاحظات نظر به وقایع یا داده‌هایی دارند که قبلاً کمی و اندازه‌گیری شده‌اند و هستی روابط و مناسبات میان برخی از عناصر معنی دار را به کرسی می‌نشانند.

از وجود این مناسبات شاکنه یا «شمائی» تبیین‌کننده بدست می‌آید که در وضعیتهای مشابه نیز قابل اعمال است، و امور ثابت و متغیری را، که ویژه هر یک از مسائل مورد مطالعه است، معین می‌کند. علوم اجتماعی در جایی هم که به این واژه اشارت نمی‌کند به مدلها توجه دارد. به همین جهت نظریه رژیمهای سیاسی با تئپ‌شناسی‌ای سروکار دارد که ساختار قدرت و توزیع آن را میان سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه مورد توجه قرار میدهد. در مطالعه احزاب سیاسی چندین مدل مرجع وجود دارد که وجه تمایز آنها، ضابطی نظیر ترکیب اعضاء و یا روابط میان قاعده و راس هرم حزبی است (احزاب کادرو یا احزاب توده‌ای، سانترالیسم دموکراتیک و یا تعددگرائی سازمان یافته). همچنین حقوق‌دانان کار مطالعه خود را با توسل به مفاهیمی نظیر تمرکزگرائی و یا تمرکززدائی و یا فدرالیسم، پیش می‌برند. علوم اداری هم نمی‌تواند از مدل بورکراتیک و مفهوم سنارکت چشم‌پوشد، و یا جامعه‌شناسی به مدل تقسیم کار اجتماعی نیندیشد و نژادشناسی نیز از مدل خویشاوندی صرف‌نظر نماید و اقتصاددان در مطالعه خود استفاده از مدلهای رشد و بحران و بسط و توسعه و مبادله و... را کنار بگذارد، مدلهایی که غالباً با بهره‌گیری از منابع کمی، به شکل ریاضی معادله عرضه میشوند.

در قلمرو روابط بین‌المللی نیز، صدها مدل ساخته و پرداخته شده‌اند و محققان از آنها

استفاده می کنند ، مثالهایی چند فائده این مطالعات را نشان میدهد .

نظریه بازیها

نظریه بازیها کاربرد ویژه‌ای از روش رفتارگرایی است و مقصودش مطالعه شیوه رفتار و سلوک دو یا چند بازیکن است ، با توجه به روابط و مناسبات آنها با یکدیگر و در برابر یک « داو » مشترک . در این مقام مسأله ما تنها این نیست که شیوه رفتار و سلوک بازیکن را تشریح کنیم ، بلکه میخواهیم حدس بزنیم بهترین شیوه رفتار و سلوک ممکن هر یک از بازیکنانی که در صحنه حاضرند در مقابل عکس العمل‌های قابل پیش‌بینی طرف مقابلشان چه میتواند باشد ؟

مبنای سلوک و شیوه رفتار کمال مطلوب بازیگران اینست که با توجه همه جانبه به تاکتیک پذیرفته شده از طرف دیگر بازیکنان برد خود را به حد اعلی و یا باخت خویش را به حداقل برسانند . با مطالعه این نوع برخوردها روشن میشود که تغییر و تبدیل وضعیت‌هایی که بازیکنان در آن قرار میگیرند بی‌نهایت نیست و عملاً تلفیق اوضاع و احوال در چند « مدل » گزارش میشود که با توجه به ماهیت « داو » بیانگر انواع متفاوت ارتباط میان رقیبان و تعداد بازیکنان است :

بازیهایی هستند که حاصل جمع برد و باخت آنها صفر است ، یعنی برد یک طرف دقیقاً با باخت طرف دیگر برابر است و نیز بازیهایی وجود دارند که حاصل جمع برد و باخت آنها متغیر است ، بدین معنی که برد و باخت در آنها به گونه‌ای اتفاقی میان دو بازیکن تقسیم و توزیع میشود .

در قلمرو روابط بین‌المللی تقسیم بالا متضمن فائده‌ای اساسی است . در تعارض و تخصیصی که یکی از رقبای در صدد تسلیم نمودن بی‌قید و شرط طرف دیگر است ، بازی در حالتی است که حاصل جمع برد و باخت آن مساوی صفر است ، زیرا در این فرض پیروزی جامع یک طرف ، متناظر با شکست کامل دیگری است . در جنگ جهانی دوم وضعیت جنگ و سرانجامش در این حالت قرار داشت : چون آلمان و ژاپن اختیار تمامی سرزمینهای خود را به دستگاه اداری فاتح جنگ واگذار کردند و بدین ترتیب تن به تسلیم کامل دادند .

رقابت شدید و خشن میان نظامهای اجتماعی - سیاسی (نظیر رقابت نظامهای جهانی در طول جنگ سرد) . در حالتی نزدیک به حالت مورد بحث است ، زیرا در اینجا نیز یکی از نظامها با صراحت ، نابودی نظام دیگر را وجهه همت قرار میدهد . در این نوع برخورد به واسطه اهمیت فراوان « داو » موجود ، قرار گرفتن در مراحل افراطی موجب خطری دائم است . اما در عمل رقابت و یا مسابقه میان نظامها و یا رقابت میان دولتها ، غالباً در زمره

بازی‌هایی قرار می‌گیرند که حاصل برد و باختشان صفر نیست. با اینهمه مواردی هست که حداقل یکی از دو طرف، تسلیم کامل رقیب خود را بعنوان هدف یا تهدیدی عمده مدنظر دارد، به نحوی که آینده هر گونه معاهده‌ای ناریک است. آمریکا به هنگام اعضای قراردادهای پاریس با رهبران ویتنام شمالی گمان می‌کرد راه حل مصالحه آمیزی یافته است، حال آنکه مدتی بعد این امر با پیروزی رقیب وی در سرزمین ویتنام منتفی شد، زیرا طرف مقابل آمریکا بواقع خواستار عقب‌نشینی نیروهای آمریکا و استعفای حکومت سایگون و اتحاد کشور بود. دسته اول بازی را بر سبانی پیش می‌برد که حاصل جمع آن صفر نباشد، حال آنکه دسته دوم با توجه به عملیات نظامی در محدوده سرزمین خود بازی می‌کند و بازی را بر پایه‌ای استوار ساخته بود که حاصل جمع آن صفر شود.

در برخی از موارد که بازیکن در روی زمین خود با هدف حاصل جمع صفر بازی می‌کند نسبت به کسی که در پی اهداف متعدد و قابل مذاکره است، تفوق دارد. اما در همین زمینه میتوان به برخوردهائی هم اشارت کرد که دو طرف متخاصم بطور همزمان، بازی را با هدف رسیدن به حاصل جمع صفر دنبال می‌کنند.

همچنین باید به یاد آوری فرضیه‌های پرداخت که رقیب، بنا به تعریف آمادگی ایجاد ارتباط با یکدیگر را ندارند. در این حالت برخوردهای نظامی پیش می‌آید، نیز باید به هیپوتزهای توجه نمود که در جریان عمل امکان برقراری هماهنگی هست. برخوردهای دیپلماتیک بهترین مثال این مورد و مقابل تعارضات نظامی‌اند. همه بازی‌هایی که دارای دو بازیکن است دارای قواعدی نسبتاً ساده‌اند، اما در بازی‌هایی که بازیکن‌های متعدد دارند، ناگزیر به تلفیق‌هایی توجه میشود که ناشی از ائتلاف میان بازیکن‌هاست. در نظریه بازی‌گذار از مرحله «دوقطبی» به «چند قطبی» با توجه به وضع مشکل بازیکن‌ها مطرح میشود. در این وضع هر یک از بازیکن‌ها باید کلیه ابتکارات دیگران را زیر نظر داشته باشد، دیگرانی که حسب مورد ممکن است رقیب یا باروی باشند، در نتیجه گذار مذکور مهر و نشان از یک عدم امنیت و عدم ثبات افزایش یافته را برایشانی دارد. (فرضی واژگونی اتحادها و اتحادیه‌ها روشنگر این مطلب است). از خلال مدلهای که آمادگی پذیرش تلفیق‌های متعدد را دارند و با توسل به مفاهیم ریاضی، میتوان چگونگی شیوه رفتار عقلانی را در وضعیت‌های مختلف معین ساخت، و با به کار گرفتن فرمولهائی که تأثیر آنها قبلاً «تست» شده‌اند، در ضمن حل تعارضات، به پیش‌بینی و حتی به چاره‌جویی پرداخت. علاوه بر این نظریه بازی‌ها مستعد تجربه‌های آزمایشگاهی و نمونه سازی و روشهای «مانوری» است و از طریق آنها میتوان بری فرضیه‌های گوناگون و متغیر به عرضه مدلهای پاسخ دست زد.

نظریه بازی‌ها در قلمرو روابط بین‌المللی کاربردهای متعدد داشته است و خواهد داشت. نظامیان در جریان جنگ جهانی دوم به منظور حل تعدادی از مسائل استراتژیک و تاکتیک از این نظریه استفاده کرده‌اند. در حال حاضر نیز در مطالعه وضعیت‌های سیاسی و یا سیاسی - استراتژیک به این نظریه توجه میشود. از این راه هم قالب (ماتریس) و هم

شاکله‌های نموداری به‌منظور توضیح استراتژی اقتناع و بازدارنده (حداقل در کادر «دوقطبی») ساخته شده است و با همین روش می‌توان به بررسی تعارضات واقعی یا احتمالی دست یازید. اما از این مطلب نباید نتیجه گرفت که نظریه بازیها ابزاری اشتباه ناپذیر است و کاربردی عام و شامل دارد. در این نظریه فرض بر آن است که رقبا با متخصصان حاضر در صحنه آمادگی پذیرش یک شیوه رفتار عقلانی را دارند. اما این وضع همیشه و خصوصاً در تعارضات بین‌المللی پیش نمی‌آید و از این نظرگاه دامنه استراتژی اقتناع و بازدارنده محدود است، زیرا دو طرف تخصص چنانچه در محاسبه خویش اشتباه کنند، خود را در کام خطر ویرانی کامل و تمام عیار می‌اندازند و همین امر آنها را ناگزیر به احتیاط فراوان سینماید. وانگهی میان نظر و واقعیت همواره فاصله‌ای هست، در این باب یکی از کارشناسان می‌گوید:

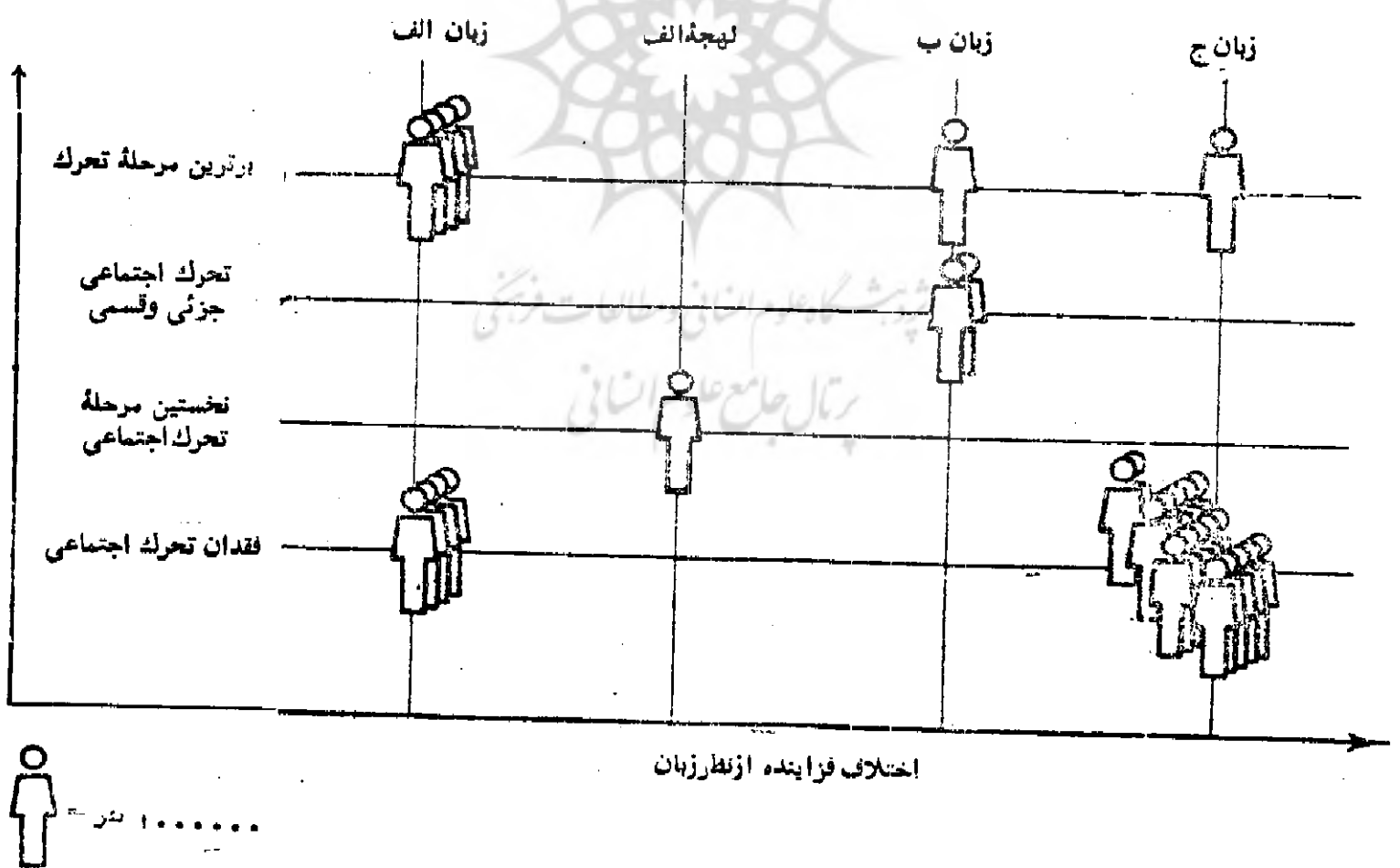
«هیچکدام از نتایج یک نظریه صوری و شکلی با واقعیت پیوند ندارد و بنابراین نتایج حاصل از نظریه بازیها که با منطق حاکم بر استراتژی تشکیل ائتلاف‌ها و یا به تقسیم قدرت مرتبط است، مقدم بر تجربه نمیتواند. بما تفهیم کند که افراد در این گونه وضعینها چگونه رفتار خواهند نمود» و می‌افزاید: «اما این نتایج مبدأ حرکتی مفید است و بر بنایشان میتوان فرضیه‌هایی در باره شیوه رفتار و سلوک افراد عرضه کرد. مقصود از طرح فرضیه‌ها اینست که توجه محققان به اسوری معطوف و متمرکز گردد که ممکن است در شیوه رفتار و سلوک افراد جنبه تعیین کننده داشته باشند. بهر حال، همینکه این فرضیه‌ها در میدان تجربه و آزمایش وارد میشوند، نتیجه هر چه باشد، میتوانیم گفت که کار بررسی و تحقیق نظام یافته و سر و سامان گرفته است.^۴» بنابراین فائده نظریه بازیها بیشتر از این باب است که وسیله و ابزار واری و تحقیق است و کمتر از آن جهت است که وسیله و ابزاری عملی است و مستقیماً مورد استفاده است. یا این قید و شرط میتوان مدلهایی چند از شیوه سلوک و رفتار ساخت که بررسی و تفسیر را در وضعیتهای متعدد ممکن می‌نماید.

مدل ارتباطات

مدل دیگری که تحقیقات رفتارگرایی عرضه می‌کند، مدل پیشنهادی در کتاب «کارل دوچ» در باره ناسیونالیسم و ارتباطات اجتماعی است. دوچ بجای آنکه بر پایه ضوابط ایدئولوژیک به جستجوی تعریفی از ناسیونالیسم برآید درصدد استقرار همبستگی میان همسازی و وفاق یک مجتمع سیاسی با سطح ارتباطاتی است که میان اعضای این مجتمع ایجاد میشود. (شدت و عمق، سرعت، تواتر انواع مبادلات) جامعه و مجتمع با کارآموزی اجتماعی بسط و توسعه می‌یابند. مجتمع در برگیرنده افرادی است که فراسوی مبادله اسرار و خدمات یاد گرفته‌اند؛ میان خود ایجاد ارتباط نمایند. مجتمعی که تاریخ مشترک را با همین عنوان مورد تجربه قرار میدهد، مجتمعی از عادات تکمیلی و تسهیلات ارتباطی است و در پی تجهیزات لازم به منظور انجام وظیفه ذخیره‌سازی، یادآوری انتقال، اختلاط و استفاده مجدد از سربهای نسبتاً گسترده اخبار و اطلاعات است. (تجهیزات عبارتند از خاطرات ضبط‌شده

رمزها ، عادات ، مرجحات قطعی و تسهیلات تکمیلی که برای تحقق این وظائف ، لازم‌اند) . گروه وسیع اشخاصی را که از طریق عادات تکمیلی و تسهیلات ارتباطی بایکدیگر پیوند می‌خورند ، میتوان یک قوم نامید . * کارل دوچ با استفاده از این فرضیه ، به مطالعه جوامعی پرداخته است که در آنها نژادها و زبانها و یا فرهنگهای مختلف با هم برخورد دارند . (فنلاند ، بوهم و مراوی ، سیلزی ، هند ، پاکستان) و در جستجوی هم‌بستگی درجه وفاق ملی و پرمایگی ارتباطاتی برآمده است که میان مقولات مختلف و لایه‌های گوناگون این جوامع ناهمگون وجود دارد . بدین ترتیب میتوان ایجاد یا انحلال یک مجتمع ملی را بوسیله تغییرات حاصل در تبادل جمعیتی گروههای نژادی ، زبانی ، فرهنگی مختلف بیان کرد . علاوه بر این به تعیین جهشهایی پرداخت که در طول زمان در داخل یک جامعه معین در سلسله مراتب این گروهها پدید می‌آیند . مقایسه میان ملاحظات مختلف به ساختن مدلی می‌انجامد که نمایش نموداری آن به ترتیبی است که در شکل ۱ آمده است .

ش: ۱- ادغام و تحرك اجتماعي



منبع: کتاب: K. DEUTSCH, ص ۱۴۱
 روش ساده شده، برای نمایش وضع جمعیتی که به چند زبان، یا لهجه تکلم میکنند، در مراحل مختلف تحرك اجتماعي، در این مثال چنانچه صنعتی شدن به سرعت پیشرفت داشته باشد، احتمال دارد که تفوق ابتدائی زبان الف، جای خود را به تفوق زبان ج بدهد.

نیز با تلفیق همه شاخصهای مورد استفاده به یک فرمول ریاضی میرسیم که ضرائب تغییر مربوط به تشبه و تحرک اجتماعی را که وقایع و همسازی یک قوم بدانها وابسته است معین میسازد. مدلی که بدین ترتیب ساخته میشود، نه تنها میتواند، از وضعیتهای تاریخی تحلیلی بازپس نگر عرضه کند بلکه قادر است در کشورهایی که از هم گسیختگی تهدیدشان می کند تحولات جاری را پیش بینی نماید.

مدل ارتباطات را میتوان در مطالعه رابطه موجود میان واحدهای سیاسی ملی و برای اندازه گیری سرعت و میزان ادغام و انسجام موجود در درون یک اتحادیه یا یک مجموعه منطقه ای بکار برد، مطالعات مربوط به متحد ساختن اروپا با این روش صورت گرفته است. با اینهمه در باره اعتبار ضوابط سنجش ادغام و انسجام موجود در یک مجموعه منطقه ای یا مجموعه جهانی که مبتنی بر مطالعه عمق و شدت ارتباطات است، بحث، میان کارشناسان همچنان ادامه دارد.^۶

نظریه ارتباطات تنها وسیله تحلیل پدیده ادغام نیست. برخی از مؤلفان با استفاده از ضوابط دیگر به ارزیابی نزدیک شدن دولتها به یکدیگر پرداخته اند و برای مثال از راه تحلیل نتیجه سنجش افکار و یا متمرکز شدن بنگاه های اقتصادی^۷ به این مطلب رسیده اند. بنابراین نباید مدل ادغام را با مدل ارتباط یکی گرفت.

مدلهای دیگری وجود دارد که مبتنی بر ملاحظه و مواجهه داده های کمی است. در این ردیف مدلهای تصمیم بیشتر مورد استفاده اند که در آنها نظر به فهم شرائط و اوضاع و احوالی است که در متن آنها مدیران تصمیم میگیرند. برخی از این مدلها، حاوی فرمول ریاضی دقیق اند. مدل « محرک - سؤال / پاسخ » از این جمله است هدف این مدل که ساخته لوئیس ریچاردسون است مطالعه مسابقه تسلیحاتی بوده است.^۸ برد برخی دیگر از این مدلها گسترده تر است. مثلا مدل « بوروکراتیک » (ساخته گراهام . ت . آلیسون) در مورد بحران کوبا است.^۹ فائده این مدل در اثبات این مطلب است که غالباً ابزار اطلاعاتی و رایزنی مدیران موجب مانورهایی میشود که سنای تصمیمات مدیران مذکور است. در نتیجه یزار اطلاعاتی و رایزنی، راهنما و تعیین کننده استراتژی ویژه مدیران است، هم در مناسبات متقابلی که در داخل هر دولت با بوروکراسی رقیب خود دارند و هم در مناسباتی که با همکاران بیگانه خویش برقرار مینمایند.

در میان مدلهای مربوط به مطالعه روابط بین المللی میتوان به مدل « لینکاژ » اشاره کرد. این مدل روابط نظام یافته میان سیاست داخلی و سیاست خارجی را مورد بررسی قرار میدهد.^{۱۰} صرف نظر از موضوع و محتوای مدل میتوان گفت که اصل مدل نقطه ختام منطقی روش رفتار گرایانه است. مدل مبتنی بر مطالعه و بازیابی سخت گیرانه جمع آوری، تدوین داده هاست و متکی به بررسی کمی مطالعات موردی متعدد است و موضوع آن بررسی سلوک

گروه‌های متنوع و مختلف می‌باشد. مدل بدن‌بال یک رشته فعالیت استقرائی به فرمولی میرسد که راه‌گذار از خاص به عام و از جزئی به کلی را همواره می‌سازد و به ایجاد پلی میان تحلیل و پیش‌بینی می‌پردازد. با توجه به نکته‌های دقیقی که بدانها اشارت شد باید به این سؤال پاسخ گفت که آیا میتوان از تکنیک مدلها برای تفسیر روابط بین‌المللی سود جست؟ در جواب باید قائل به تفصیل شد. مدل‌سازی موجب گردیده است که قسمتی از تحقیقات از قلمرو تخمین و بحث بی‌فائده میان عقاید و افکار متناقض خارج گردد.

اما «مدل‌سازی» همه مسائل را حل نمی‌کند. تنها با دقت در استواری معلومات ابتدائی و مبنائی است که فورمالیزاسیون وضعیتهای اعتبار مییابد و این امر با مشکلاتی در زمینه اسناد و مدارک و مسأله کمی ساختن مطالب روبروست. علاوه بر این پیشرفتهای حیرت‌انگیز در زمینه ساخت مدلها ضامن قابلیت اعتماد آنها نیست. در کمی ساختن اطلاعات انتخاب داده‌های معنی‌دار، اهمیت فراوان دارد. کسانی که وسائل تحقیق عمده را در اختیار دارند، گهگاه برای ایجاد آنچنان مدل‌هایی به وسوسه می‌افتند، که نه فائده آنها قابل تحقیق است و نه هیچگاه مورد تحقیق قرار می‌گیرند. نکته دیگر کثرت مدلهاست که موجب طرح مسأله نظم و نسق دادن و تطبیق و تلفیق آنها در درون یک نظریه همساز میشود.

هر یک از مدلها وظیفه ویژه‌ای دارد و به حل تپیی معین از مسائل می‌پردازد. گذار از یک مدل به مدل دیگر و به خصوص تطبیق مدل‌های گوناگون دشوار و گهگاه نیز ناممکن است. نظریه بازیها به دریافت برخی از وضعیتهای می‌انجامد. این وضعیتهای با وضعیتهای بیگانه‌اند که مورد توجه نظریه ادغام یا نظریه ارتباطات هستند. گرچه نظریه ادغام و نظریه ارتباطات را میتوان بهم نزدیک ساخت، اما لزوماً با یکدیگر مطابق نمی‌افتند. مدل‌های مربوط به تصمیم‌گیری و مدل‌های ارتباطات نیز به لحاظ موضوع و ساخت با یکدیگر متفاوتند و بنابراین نمیتوان آنها را به یک واحد تحویل نمود. بهر حال مشکل است که بتوان از الصاق مدل‌های ویژه به یکدیگر، یک مدل تبیینی جامع ساخت. آخرین سؤال اینست که آیا فورمالیزاسیون حاصل از ساختن مدلها بواسطه افراطی که در دقت و صلابت آن میشود، ناقص نیست و آیا این سخت‌گیری موجب نمیشود که بفرایند ایجاد سلسله پدیده‌ها، که جنبه اتفاقی آن زیاد است، سنگینی آید. بسیاری از مؤلفان به منظور گذار از آستانه‌ای که تحلیل را از پیش‌بینی جدا می‌سازد از نظریه مدلها صرف‌نظر کرده و به ساختن «سناریو»ها روی آورده‌اند در این سناریوها سعی میشود که متغیرها در رابطه تابعی با چندین سری فرضیه گردهم آورده شوند.



مفهوم سیستم

« سیستم » از جمله مدلهائی است که میتواند برای تحلیل مسائل مربوط به روابط بین المللی چهارچوبی عرضه کند. مفهوم « سیستم » نخست در قلمرو علوم طبیعی مورد توجه قرار گرفته و منظور نظر نیز فهم مناسبات، موجود میان عناصری است که خاص یک مجموعه پیچیده است (مثلا منظومه شمسی). از قرن نوزدهم به بعد با استفاده از روشهای قیاسی، سهل گیرانه، این مفهوم بر مطالعه جامعه نیز تسری یافت و سپس مطالعات ریاضی به فوردالیزه کردن مفهوم سیستم دستیاری نمود. بررسی های مردم شناسی و اقتصادی، تحلیل سیستمی را در قلمرو امور اجتماعی وارد ساخت، اما مفهوم روشن و همساز از سیستم اجتماعی در مطالعات تالکوت پارسونز (نیمه دوم قرن بیستم) عرضه شد. باید دانست که در این قلمرو پیش از میدانهای مطالعاتی دیگر باید مواظب دامنهائی بود که واژه نامه مربوط بر سر راه تحقیق می گسترده. غالباً و در تداول عامه هر نوع تلفیقی با « سیستم » مشتبه میشود، اما زبان دلمی هم از این آشفته کاری در امان نیست. تعبیر سیستم گاه برای تعیین واحد اندازه گیری به کار میرود (سیستم متریک) و گاه مورخان از سیستم دیپلماتیک (مثلا نظام یا سیستم متریک یا بیسمارک) سخن میگویند و قصدشان تلفیق نیروهائی است که موجب تأمین تفوق یک دولت و یا پیروزی یک اصل سیاسی است، بدانگونه که در سایه آن، منابع این یا آن قدرت حفظ میشود. وقتی مارکسیستها، از « نظام کاپیتالیستی » و یا غربی ها از سیستم « سوسیالیستی » سخن به میان میآورند، منظورشان مجموعه ای از روابط عملی و حقوقی موجود میان دارندگان وسائل و ابزار تولید است. این منظور با آنچه در تلفیقها و بده و بستانهای دیپلماتیک فهم میشود، ربطی ندارد. در بحث « ژ، داوید زینگر » از سیستم بین المللی مجموعه دولتهای موجود بر روی کره زمین مورد نظر است نه یک تپ خاص از شکل قدرتها و نه فلان اصل سیاسی و یا فلان تپ در ساختارهای اجتماعی. در مطالعات پارسونز سیستم اجتماعی به صورت اختلاطی از وظائف متنوع مطرح میشود. و این وظائف اصولاً عبارتند از:

الف - حفظ مدل اصلی و خاص روابطی که تأمین کننده هویت گروه اند.

ب - استعداد مطابقت با اجبارهائی که ناشی از محیط خارجی است.

ج - استعداد وصول به بعضی از اهداف که برای زندگانی مجموعه گروه مفید است.

د - نگهداری حالت ادغام و انسجام اجتماعی (هم رائی).

انجام هر یک از این وظائف عمده ، به عهده یکی از بخشهای معین گروه است ، ساختارهای خانوادگی نگهدارنده مدل اصلی میباشند و چرخ و دندههای اقتصادی مطابقت با اجبارهای خارجی را بردوش دارند و قدرتها و مقامات سیاسی واجد استعداد تصمیم گیری اند و حفظ همراستی اجتماعی با نهادها و سنتهای فرهنگی است . به نظر پارسونز فقط در گروههای بسیار پیشرفته ، دو وظیفه دیگر براین وظائف افزوده میشود ، یکی تغییر اهدافی است که باید بدانها دست یافت و دیگری استعداد تبدل است ، بی آنکه هویت لطمه و صدمه ببیند . برخورد وظیفه گرایانه پارسونز بصورت انتقاد و تحدید و تقیید نیست ، به این نظر نیز هم نند ایرادی که به سازواره گرایان کرده اند ، ایراد می گیرند که تابلوی ترسیمی اش از جامعه گزارشگر جامعه ای هم آهنگ و هم ساز ، بدون ستیزه و تعرض و در بند تداوم بی هیچ برخورد و تصادم است . کوتادسخن قواعدی که این سیستم عرضه می کند ، جز توجیه حفظ فرایند ایجاد نظم و قرار مستقر، چیز دیگری نیست .

این ایراد حداقل در مورد برخی از تفسیرهای وظیفه گرائی بی مبنا نیست . درست است که سیستمهای اجتماعی برای تثبیت هستی خود در طول زمان ، دارای منابع لازم اند ، اما این نظرها همانند سازواره های زیستی ، در برابر عدم تعادل (وظیفه زدائی) ضربه پذیرند و در برخی شرائط چنانچه با انفجار درونی روبرو شوند یا زیر فشار بعضی از اجبارهای خارجی قرار گیرند هر دو بسادگی از صفحه روزگار محو میشوند . ایراد دیگر بروظیفه گرائی خاصه مکانیست آن است ، منشاء این امر انجام از مدل علوم طبیعی است . در صورتیکه ترکیب کننده جوامع ، انسانها هستند و انسان دارای شعور و وجدان است و سلوک و رفتارش غیرقابل پیش بینی است . بدیهی است که چون سلوکیها و رفتارهای فردی و جمعی هم تحت سیطره هیجانات و عواطف و هم زیر فرمان عقل اند ، ناگزیر کنترل و تحلیل آنها دشوار است معادلک سلوکیها و رفتارهای یاد شده از نظم و نسقی قابل ملاحظه برخوردارند .

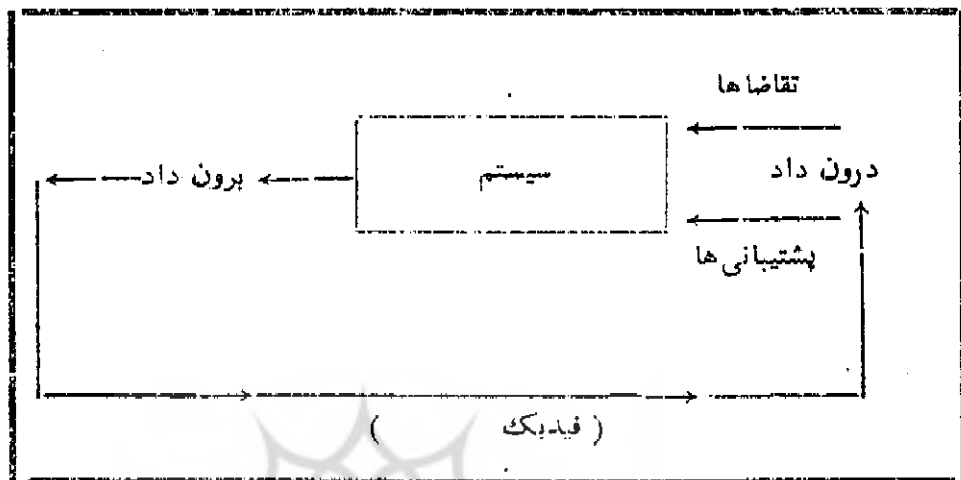
مطالعه استون این دشواریها و موانع را دور میزند . وی در ساختن سیستم سیاسی خود

به مطالب زیر توجه دارد :

۱ - اهمیت روابط میان سیستم و محیط خارجی

۲ - اهمیت تنظیم سیستم توسط مفاسی که میتواند به ستیزه گری ناشی از محیط خارجی پاسخی کامل عرضه کند . تحلیل سیستم یا تحلیل سیستمیک به مطالعه مجموعه تعاملاتی میردازد که میان سیستم و محیط خارجی اطراف آن پدید آید و شاکله یاشمای آن دورانی و از انواع سبیرتیک است . « سیستم » که ساخته مجموعه ای مشخص از روابط است از طریق مکانیسم یا سازوکار « درون دادها » و « برون دادها » با محیط خارجی اطراف خود در ارتباط است « درون دادها » متشکل از تقاضاها و پشتیبانی هائی هستند که در سیستم قرار میگیرند ، عکس العمل تلفیقی کلیه عناصر تشکیل دهنده سیستم ، تقاضاها و پشتیبانیهای مذکور را

در داخل سیستم هدایت می کنند و نهایتاً توسط ناظم سیستم ، واکنش جامعی را پدید می آورند که گزارشگر نحوه تطبیق سیستم با انگیزه ها و فشارهای ناشی از محیط خارجی است . این واکنش جامع (برون داد) همان پاسخ سیستم است که در عین حال مقدمات ایجاد مدار واکنش تازه ای را فراهم می آورد و این واکنش به نوبه خود در تبدیل و دگرگونی محیط خارجی تأثیر میگذارد . و بدین سان جریان تقاضاهای جدید و پشتیبانیهای نو و . . . آغاز میشود .



شکل ۱

از اصول موضوعه بالا میتوان تعریف زیر را استنتاج کرد که :

سیستم مجموعه ای از روابط موجود میان تعدادی از عوامل است که تیپ معینی از محیط خارجی آنها را در بر گرفته اند و تابع شیوه ای معین از تنظیم کامل می باشد .

تحلیل سیستمیک پشتیبانی « استون » دو فائده عمده دارد : از یکسو به تدوین و تنظیم قوانین دینامیک اجتماعی میپردازد ، چون سعی دارد که فراسوی این یا آن تصمیم خاص ، بروز سلسله وار عکس العمل هائی را دریابد که از طریق آنها سیستمهای مختلف ، روابطه میان خود را برقرار می کنند و موانعی را که با آنها برخورد مینمایند پشت سر میگذارند . از طرف دیگر دقیقاً تعاملی را ارزیابی می کنند که میان متغیرهای داخلی (موجود در سیستم) و متغیرهای خارجی (موجود در محیط) در طول جریان عرض وجود می نمایند ، ولواین ارزیابی کمی نبوده و همواره نیز کمیت پذیر نباشد .

اما نباید از قیمتی که برای تحصیل این دو نتیجه پرداخته میشود ، غافل بود . سیستم مورد مطالعه ، تنها در رابطه تابعی با محیط خارجی آن وجود دارد . و فقط در ارتباط با این محیط قابل تعریف و تحلیل است .

مدل استون بردی عام و کلی دارد . بنابراین هم در مطالعه بنگاه اقتصادی و هم در مورد اداره و حزب سیاسی و سندیکا و یا مطالعه در خصوص دولت ، میتواند به کار رود . از این خاصه نباید غافل ماند . با اعمال تحلیل سیستمیک بر روابط بین المللی بهتر میتوان این

روش مطالعه و بررسی روابط بین‌المللی / ۱۴۳

روابط را در نسج و بافت مجموعه مناسبات اجتماعی جای داد، بی‌آنکه پیشداوری در باره خصوصیت بنیادی آنها لزوم داشته باشد.

اما سؤال در باره فائده مفهوم سیستم برای دریافت بهتر روابط بین‌المللی پابرجاست. اینکه بسیاری از متخصصان خواستار استفاده از این مفهومند. دریافت بهتر مطلب را تضمین نمی‌کند^{۱۲} علاوه بر این هیچگاه نباید یک مدل انتزاعی را به واقعیت الصاق نمود. ولو مدل سیستمیک، غیر از فرضیه مطالعه، چیز دیگری نیست و عناصر ترکیب‌کننده و تعادل‌های آن بایستی «تست» شود و از یکدیگر تجزیه و تفکیک گردد و در صورت نیاز تغییر و تبدیل یابد و در خدمت محقق قرار گیرد، نه آنکه پژوهشگر را اسیر و مطیع خود گرداند. امتیاز نظریه سیستمیک، فراهم ساختن ابزار تحلیل است و کار تحلیل نیز مطابق فرمول پرمایه کند یا ک «تجزیه، مقایسه، و دریافت مناسبات است»^{۱۳}.

وقتی می‌گوییم که روابط بین‌الملل سازنده یک «سیستم» است، لازمه این مطلب در درجه اول آنست که سیستم از محیط اطرافش متمایز گردد و سپس محیط اطراف خاص سیستم بین‌الملل تعریف گردد و از محتوایش فهرست برداری شود و آنگاه عناصر سازنده سیستم (بازیگران یا سیستم‌های فرعی) معین شوند و جای مکانیسم تنظیم مشخص گردد و توانائی عمی آن ارزیابی شود. و سرانجام نیز مناسبات میان سیستم و محیط اطراف آن و مناسبات میان عوامل و اجزاء سازنده سیستم به نوبه خود موضوع بررسی دقیق قرار گیرد.

هنگامیکه «روابط بین‌المللی» از این زاویه ملاحظه می‌شود در باره نتیجه تحلیل به هیجوجه پیشاپیش داوری نمی‌شود. با این طرز تلقی تحلیل سیستمیک جنبه بی‌طرف دارد، و به خوش بینی یا بدبینی رو نمی‌کند. برعکس با تأکید بر مفهوم مجموعه، تحلیل سیستمیک عوملی را که بر جریان «روابط بین‌المللی» اثر می‌گذارند، الزاماً منفرد می‌کند و مورد بررسی قرار میدهد و به تعیین بازیگران فردی یا جمعی می‌پردازد که تصمیمات آنها در شبکه‌ای فوق‌العاده پیچیده درهم تنیده می‌شود و بالاخره از تعارضی که این بازیکنها را به کشمکش وادار می‌سازد، نقشه برداری و رادیوگرافی سینماید و این همه پیش از آنست که در باره مادیت روابط بین‌الملل (اگر نگوئیم نفس وجود آنها به گونه‌ای که در برابر ما عمل می‌کنند) به قضاوت ارزشی بپردازد.

لکن توسل به تحلیل سیستمیک به معنی قبول مکانیکی شاکله پیشنهادی «استون» نیست. از لحاظ روش اگر مدلهای نظری را به جای واقعیت بنشانیم به اشتباهی اساسی دچار شد، ایم. مدلهای امور متنوعی هستند که بیبایست واقعیت را در ارتباط با آنها تحلیل و توصیف کرد و مشخص ساخت. استون در مؤخره‌ای که به مناسبت چاپ فرانسوی تحلیل سیستم سیاسی خود نوشته است به این مطلب اشارت می‌کند که سیستم بین‌الملل با اندکی اختلاف مؤکد خاصه‌های سیستم سیاسی به گونه‌ای است که در جامعه‌های داخلی مطالعه می‌شود

اما این مطلب قابل تأمل است . برعکس اگر روشن استون را وارونه کنیم میتوانیم به کشف ماهیت و خصوصیت « سیستم بین الملل » امید بندیم .

ملاحظه میشود که اصالت این سیستم بر پایه دو خصیصه بنیادی استوار است :

۱ - برعکس سیستمهای دیگر ، سیستم بین الملل یک سیستم متعین و از لحاظ فیزیکی محدود و در بسته است . این امر مسائل پیچیده‌ای را بوجود می‌آورد، اما برای تحقیق در باره روابط موجود میان سیستم بین الملل و محیط اطراف آن قابل توجه است .

۲ - سیستم بین الملل بعکس سیستمهای دیگر از شیوه کامل تنظیم و تنسيق عاری است و این امر بین وظیفه‌زدائیهاست که سیستم را متأثر می‌سازند و ضمناً محل آنها را تعیین می‌نمایند . تنها وقتی مدلهای را از این زاویه ملاحظه کنیم، یعنی چنانچه مدلهای را ابزار کوری بدانیم که موجب دریافت خصائص و روابط اساسی واقعیت مورد ملاحظه میشود، استفاده از مدلهای (از جمله مدل تحلیل سیستمیک) را پارو می‌کنیم . اما در اینجا مسأله ما تحقیق در باره مطابقت سیستم بین الملل با مدل استون نیست ، بلکه بعکس مسأله ، استفاده از این مدل عام برای فهم این نکته است که روابط بین الملل به چه معنی و چگونه یک سیستم خاص و بدیع اجتماعی را تشکیل میدهند ؟

برای پای بندی به این روشن شایسته است که دشواریها دسته بندی و مرتب شوند ، و در مباحث مربوط به روابط بین الملل ، نخست از محیط اطراف سیستم بین الملل سخن به میان آید (یعنی در باره عواملی پیرس وجو شود که با تأثیر بر سلوک و رفتار بازیکنان حاضر در صحنه ، طرز کار سیستم را مشروط می‌سازند) آنگاه باید به تشخیص و تعیین هویت بازیگرانی پرداخت که در این صحنه حاضرند . با استفاده از این عناصر است که میتوان ساخت و شیوه‌های کار و یا از کار افتادن سیستم بین الملل را فهم کرد .

والسلام

ترجمه و تحریر: حی بر یقظان

* *

*

1-2- Jean- Baptiste Duroselle

-. La nature des relations internationales, Politique étrangère, No 5.

- Tout Empire périra, Publications de la Sorbonne, 1981.

۳ - آندره کاسپی « André Kaspi » در نقد کتاب بالا (یادداشت شماره ۱ و ۲) مینویسد : « توسل به تاریخ خالی از ابهام نیست . گذشته آدیزادگان سلو از مسائل مغایر و متناقض با یکدیگر است. ممکن است که سیاست داخلی تعیین کننده سیاست خارجی باشد اما میتوان گفت که عکس این مطلب هم ممکن است و نیز امکان دارد که میان این دو رابطه و علاقه‌ای غیر از تفوق یکی بر دیگری موجود باشد . هر یک از مورخان میتواند سواردی را یادآوری کند ، که یکی از این سه حالت را توجیه و تبیین نماید . در واقع ، اهمیت سیاست خارجی با توجه به کشورها و روحیه آنها تغییر و نوع

روش مطالعه و بررسی روابط بین‌المللی / ۱۴۵

میاید. در یک کشور نیز این مساله با اوضاع و احوال و اصولی که بر آن حکومت دارد مرتبط است...

- 4- Anatol RAPOPORT, Combats, débats et jeux, Dunod, 1967. P. 154
 - 5- Nationalism and social Communication, M.I.T. Press. 1960. P.91-96. Cf. du meme auteur, The nerves of Government, The Free Press, 1966 et de Richard MERRITI (éd): Communication in international Politics. University of Illinois Press 1972.
 - 6- Voir la controverse entre Karl DEUTSCH et R. INGLHART dans l'ouvrage publié sous la direction de Dusan SIDJANSKI, Méthodes quantitatives et integration européenne, Genève, Institut d'études européennes, 1970 .
 - 7 - Cf. sur ce point la contribution de D. Sidjanski, uLes syndicats et les Groupes de pression français face à l'integration européenne dans l'ouvrage collectif : La France et les communautés européennes, Paris, L.G.D.J. 1975
 - 8 - Arms and Insecurity, Londres, Stevens, 1960
 - 9 - Essence of decision : Explaining the Cuba crisis, Boston, 1871.
 - 10 - Cf. James ROSENAU, Linkage Politics - Essays on the Convergence of the National and International Systems, New York 1959, The Free Press.
 - 11 - A systems Analysis of Political Life (1965)
- ۱۰ - در میان کسانی که طرفدار استفاده از تحلیل سیستمی در روابط بین‌المللی هستند میتوان به مؤلفان و کتابهای زیر اشارت کرد :
- Philipp BRAILLARD, Théoris des systèmes et relations internationales. 1977
 - J.W. BURTON, Systems, States, Diplomacy and Rules, Cambridge University Press. 1968
 - 13 - De l'art de penser .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 * * *
 پرتال جامع علوم انسانی

